

# اعلاخان افصحزاد، جامی‌شناس زبردست

دکتر آسرار رحمان‌فر<sup>۱</sup>

## چکیده

اعلاخان افصحزاد دانشمندی است که همه عمر تحقیقی خود را صرف پژوهش در آثار و افکار مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی کرد. این شخصیت آن گونه که در شوروی سابق و جمهوری‌های ازبکستان و تاجیکستان شناخته است در دیگر سرزمین‌های فارسی‌زبانان به ویژه در افغانستان مطرح نیست. در این تحقیق به معرفی او و چگونگی گرایش و علاقه‌مندی وی به جامی و آثار مختلفی که در حوزه‌های تصحیح متن، اندیشه و زندگی جامی نوشته و در کشورهای مختلف به چاپ رسیده، پرداخته‌ایم. جز این به نکاتی درباره شخصیت این پژوهشگر برجسته و تلاش‌های فراوان او در جامی‌گرایی در دوره معاصر نیز در این مقاله اشاره کرده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: اعلاخان افصحزاد، عبدالرحمان جامی، جامی‌شناسی، هرات.

## مقدمه

بدون مبالغه مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی (۸۹۸-۸۱۷ق.) از نورانی‌ترین اختران آسمان فرهنگ و ادب دیرینه‌سال فارسی تاجیکی بوده، صفت و خصلت‌های حميدة انسانی، نوشه‌های پسندیده علمی، ادبی و عرفانی، غایه‌های بلند و بی‌گزند عمومی و هنر و استعداد بی‌مانند سخن‌گستری، ایشان را حبیب و عزیز تمام دور و زمان‌ها و مُلک و مکان‌ها گردانیده‌اند. بی‌هوده نیست که هنوز در آوان بر حیات بودنشان، مولوی را هم‌زمانان‌شان محترمانه و سپاس‌گزارانه «دریای نور» و «استاد سخنوران نامی - جادو سخن زمانه جامی»، «خشست نخستین کاخ محتشم شهرت» و ... نامیده‌اند.

۱. خادم علمی مرکز میراث خطی آکادمی ملی علوم تاجیکستان



بنابر شهادت میر علی شیر نوایی (۸۴۵-۹۰۶ ق.)، «جامی در همه علوم و فنون زمانه به مقامی رسیده است که برای پاسخ‌گویی به مشکلات علمی و ادبی و دینی نیازی به مراجعه به کتب و مآخذ ندارد» از گفتهٔ پیرو دیگر نامدارش کمال الدین بنایی (۸۵۷-۹۱۸ ق.):

جامعی آن آفتاب نورانی  
آن منور به نور سبحانی  
بود از چهل زیاد تصنیفش<sup>۱</sup>  
رو در اعجاز کرده تأثیش

در واقع، این متفکر متبحر و سخن‌شناس بی‌قياس از شرافت اندیشه‌های بکر و والا، نیروی خلاقانه سخن، دانش فراخ و دامنه‌دار و ذکاوت و فضیلت عالی در ردیف سخنوران معظم و دانشمندان مکرم ملت‌مان قرار گرفته، سزاوار چنان مقامی ارجمند گردیده است که در تحکیم وحدت اسلامی و عرفانی، تربیت اخلاق حسن‌آنسانی و پیشرفت فرهنگی و ادبی همگانی به‌ویژه تمام آریاتباران و تاجیکان جهان، بیش از هر فرقه و دسته و گروهی حصه‌گذار بوده و می‌باشد. بدین معنی، اگر بگوییم که مولانا عبدالرحمان جامی در ردیف رودکی و فردوسی، خیام و رومی، حافظ و سعدی، کمال و بیدل، سیدا و صائب، طغل و شاهین و ... از دوست‌داشتی ترین سخنوران مردم تاجیک است و شعر شیره‌دارش کام چندین نسل‌شان را برداشته، اغراقی نیست.

در همین زمینه در ادامه و گسترهٔ فرهنگ و ادبیات غنامندمان او را در شرق و غرب بعضی‌ها «خاتم الشعرا»، جمعی در نظم بعد از فردوسی، انوری و سعدی (پیامبر چهارم) و گروهی جمع‌بست‌کننده تمام موققیت‌های دوران کلاسیکی ادبیات فارس و تاجیک عصرهای میانه می‌دانند و ایجادیات او را برحق تیرماه زرین این ادبیات گران‌قدر می‌شمارند. به همین موجب، تاریخ ادبیات، افکار اجتماعی و سیاسی، فلسفه و اخلاق، تصوّف و عرفان و عموماً سیمای معنوی خلق ما را بدون شخصیت و ایجادیات این چهره بزرگ ایجادی نمی‌توان تصوّر کرد.

محبوبیت و قرابت جامی با مردم ما به درجه‌ای است که گفتار او را پیر و جوان با عقاید و مفکورهای مختلف، صرف نظر از شغل و پیشه و آمال و اندیشهٔ خویش چون دلیل و برهان برای قبول و رد، تقویت و تضعیف و پند و اندرز مصاحب، به صفت حکمت روزگاران به کار می‌برند. در هر مورد هم برای عاشقان شیدا و دلبران رعنا، برای پیران روزگار دیده دانا و جوانان جویا از قلزم گفتار این ادیب جهانی، سخن‌های موافقی یافت می‌شود. مردم سخن‌شناس کلام خود را با زبده‌گفته و دردانه‌های سفتۀ جامی زیب و آرا می‌دهند. آدمان غمزده، در غربت



افتاده و خسته‌خاطر در پناه اندیشه‌های او اندوه و ملامت و رنج و آزردگی طبع خویش را سیک می‌گردانند. حافظان و رامشگران با سروden غزل‌های دلاویز و ترانه‌های طرب‌انگیز وی به دل‌ها سرور می‌بخشند. محققان و پژوهشگران در پی کشف اسرار نهانی و معنی‌های تحتانی کلام معجزسان جامی هستند. ترجمان‌ها در کوشش آنند که از این گنج معنوی برای هم‌زبانان خود هر چه بیش‌تر دردانه‌ای بردارند و در شکل و صورتی گوارا به زبان خود بگردانند. این احوال بیش از نیم‌هزار سال ادامه دارد و پیوسته گسترش می‌یابد».<sup>۱</sup>

آری، بیش‌تر از پنج‌ونیم سده است که صحنه‌های جالب روزگار و صفحه‌های رنگین آثار نابغه هروی در معرض آموزش و پیروی پیر و جوان و محضر پژوهش و بررسی دانشمندان ورزیده جهان قرار دارند که در این راستا جامی‌شناسان تاجیک گوی سبقت از هم‌گنان خود ربوه، در این جاده اقدام ثمرفر جامی برنهاده‌اند. بی‌هوده نیست که سرور دولت امام‌علی رحمان در یکی از ملاقات‌های نوروزی خویش با ضیائیان کشور (۲۹ اسفند سال ۱۳۹۲ خ.) در زمینه سال بزرگداشت مولانا عبدالرحمان جامی، اعلام‌داشتن سال مذکور و تفسیر و توصیف دامنه‌دار مقام بی‌نظیر ادبی، فرهنگی، علمی و عرفانی این شخصیت بزرگ تاریخی با قناعتمندی و تفاخر تمام ابراز داشتند که «جامی‌شناسی در تاجیکستان نیز در طول سال‌های زیاد به یکی از سمت‌های مهم و پرثمر ادبیات‌شناسی تبدیل گردیده، در این زمینه اثرهای پر قیمت علمی به مثل تحقیقات پرمحتوای دانشمندان شادروان اعلاخان افصحزاد و موسی رجب‌اف آفریده شدند که امروز از جانب عالمان معتبر جهان اعتراف گردیده‌اند».

در حقیقت، دانشمندان سرشمار دوران شوروی تاجیک، عننه و سنت‌های گران‌مایه علمی و ادبی گذشتگان‌مان را شرفمندانه و صبورانه دوام و رواج دیگری بخشیده، در تمام ساحه‌های علم و فن زمانه مخصوصاً ادبیات و فلسفه، نقشی ناستردنی گذاشته‌اند که ارباب شایسته علم تاجیکستان دکتر علم فیلولوژی پروفیسور اعلاخان افصحزاد (۱۳۱۴-۱۳۷۸ خ.) بی‌شباهه، در ابتدای همین سلسلهٔ فاخره قرار دارد.

مکتب قوی‌بنیاد علمی و ادبی بنانهاده اعلاخان افصحزاد که محققین و منتقدین ورزیده وطنی و خارجی به اتفاق آراء او را «دانشمند صاحب‌مکتب» نامیده‌اند از یک جهت، جهان معنوی و روحانی مشتریانش را روشن دارد، میراث بی‌شمار و گران‌مقدار علمی و ادبی‌اش از جانب دیگر، عالم محسوس مادی مستفیدانش را غنی‌تر می‌گرداند.

۱. افصحزاد، اعلاخان، مولانا عبدالرحمان جامی ادیب و متفکر نامی، ۲۰۱۵، ص ۲۹.

اگر روند ایجادیات علمی و ادبی اعلاخان افصح زاد را که جداً از اوایل سال‌های شصتم عصر بیستم ابتدا گرفته و قریب چهل سال ادامه یافته است، محققانه و مدفّقانه پیش نظر آوریم، عیان خواهد گردید که همواره در کلیه بخش‌ها و ساحه‌های رایج نظری و عملی ادبیات و فرهنگ و معنویات ملت‌مان خامه‌فرسایی نموده، همیشه به این مشغولیتش صادق مانده است:

۱. متن‌شناسی و نشر آثار ادبی و علمی سخنوران و دانشمندان فارسی‌زبان؛
۲. جامی‌شناسی و تحقیق فرهنگ و ادبیات معاصر جامی؛
۳. تاریخ ادبیات یا بررسی جنبه و چهره‌های منور ادبیات باستان و هم‌زمان فارسی تاجیکی (از استاد رودکی تا امروز)؛
۴. نقد ادبی یا بررسی پدیده و معماهای گوناگون ادبیات گذشته و حاضر وطنی و خارجی؛
۵. هنرشناسی یا تنقید و تحقیق دستاوردهای صنعت نفیسۀ گذشته و امروز، تیاتر و سینما و آثار درامی معاصر ملّی؛
۶. زبان‌شناسی یا بررسی مسائل عمده زبان فارسی تاجیکی و سبک و اسلوب نگارش سخنوران ماضی و حاضر فارسیان؛
۷. نگارش قصه و رُمان‌های تاریخی - ادبی، صورنگاری و منقبت و پانفلیت‌نامه‌ها و سفرنامه و نمایش‌نامه و مقالات علمی - عاموی؛
۸. ژورنالیزم یا تألیف و تصنیف آثار پوپولیستی، مقالات و لوحه‌های گوناگون موضوع؛
۹. برگداشتهای برگزیده بدیعی گوناگون ژانر نویسنده‌گان ورزیده شوروی و خارجی به زبان تاجیکی؛
۱۰. پرورش متخصصین یا سروری و مشاوری گروه‌های ایجادی، تحریر و تقریظ بر نوشه‌های محققین و مؤلفین وطنی و خارجی، راهبری و تقریظنویسی به رساله‌های تحقیقاتی دانشجویان و اسپرینت (دانشجویان دوره دکترا) و دکتران محلی و بیرونی و رهنمایی و سرپرستی شعبه‌های گوناگون مؤسسه‌های تئاتر و سینما و سازمان‌ها و روزنامه‌ها و ماهنامه‌های وطنی.

در این دسته‌بندی مختصر اگر اشتراک و ساماندهی و گزارش‌های ایشان را در سمپوزیوم‌ها،



سمینارها، کنفرانس‌ها و همایش‌های متعدد ملّی و بین‌الملّی ویتنامی‌خانی به خصوص انجمن‌های بین‌الملّی جامی‌شناسی (۱۳۴۳، ۱۳۶۱، ۱۳۶۸) و فعالیت‌های خستگی‌ناپذیرشان را در دوران شوروی و استقلال تاجیکستان برافزاییم، محتوای روزگار پربرکت و غنامندشان آشکارتر خواهد گردید.

بی‌شک اعلاخان افصحزاد در شاخه‌های گوناگون ادب و هنر گذشته و حاضر وطنی و خارجی رساله و مقاله‌های زیادی نوشته و در محافل علمی و ادبی به صفت یک نفر متین‌شناس بی‌نظیر و جامی‌شناس عالمگیر شناخته شده است. به حکم تقدیر، این جوان مرد تربیت‌دیده و دانش‌اندوخته که در محیط سازگار علم و ادب آرایی و اسلامی پرورش یافت، از خردسالی تقریباً از ده‌سالگی با نام و کلام معتبر عبدالرحمان جامی‌شناسی پیدا کرده، به تعبیر و تأیید خودش «تمام عمرش را با جامی گذرانده است».<sup>۱</sup>

در خاندان ما مقبولیت و محبوبیت مولانا عبدالرحمان جامی ستّی قدیمی و آینی مقدس بوده، یقیناً به طرز میراث از نسلی به نسلی گذشته است. به این معنی، من از روزی که خود را می‌شناسم با نام مولوی جامی و کلام سحریان این مرد بزرگ ادب و عرفان آشنایی دارم، دایر به زندگی و خصلت‌های نجیب، طبیعت شوخ و حاضر جوابی او نقل و روایت‌ها شنیده‌ام.<sup>۲</sup>

اعلاخان افصحزاد از خُردی شیدای شعر ناب و خصایل جذاب مولانا عبدالرحمان جامی گردیده، چهل سال بر تمام روزگار برکمالش را وقف و خرج بررسی و بازآموزی پنهانی روزگار و آثار و ژرفای پندار و افکار سخنور توانا نموده است و رنج فراوانش گنج شایگان آورده است که پرشمار تعداد آثارش گواه دعوا هستند.<sup>۳</sup>

اگر خطا نکنم بهار سال ۱۳۲۴ خ. باید باشد، آخرین سال جنگ جبهه‌ای در برلین و کشورهای دیگر اروپا. ما (اهل خاندان محمدفسه) در ده ورزیکنده (دهی در دامنهٔ غربی دشت مرغیدر که چراگاه تابستانهٔ رستاهای کوهستان گرد و اطراف بوده است). پدرم راهبر خواجه‌گی «آزادی شرق»؛ مردم گرسنه؛ کالخوز تخمی ندارد.<sup>۴</sup> چندین روز پدرم نبود. برای آوردن تخمی به موغیان (دهی در قریبی‌های پنجکنگ) رفته، چند خر گندم یافته، آمد. مادرم گرفتار درد شدیدی، چندین روز باز بستری. شاید از خرسندی آمدن

۱. افصحزاد، اعلاخان، مولانا عبدالرحمان جامی/ادیب و متفکر نامی، ۲۰۱۵، صص ۲۹ - ۴۱.

۲. همان، ص ۳۰.

۳. افصحزاد، اعلاخان، آثارنامه، ۲۰۰۵، ص ۲۰.

۴. پدرم مدیر یک گروه کشاورزان بود که در زمان شوروی کالخوز می‌گفتند و نام این گروه «آزادی شرق» بود.



پدرم باشد، امروز به فراغت خوابیده است. پدرم که طبیعت نهایت رندانه داشت، طاقی چارگل استروشنسی (دوخت زنان هنرمند استروشن) بر سر، جامه سوسی کاملاً<sup>۱</sup> نو مادرم بافته و دوختگی در بر، موی سر تراشیدگی، ریش و موی لب به قول مردم می‌گونشان آلوفته قیچی‌زدگی، دوتار در دست، سرود می‌خوانند:

جان از آن لب‌ها حکایت می‌کند	طوطی از شگر روایت می‌کند
هر که می‌گوید حدیث سلسیل	آن لب نوشین کنایت می‌کند
قتل جامی را چه حاجت زخم تیغ	غمزه‌ای او را کفایت می‌کند <sup>۲</sup>

این یکی از غزل‌های دوست‌داشته پدرم از ایجادیات مولوی عبدالرحمان جامی بود. غزل‌های دیگر جامی را نیز در مهمان خانه و خانه بسیار می‌خواند، اما از همه بیشتر، برای من حمد جامی را سرودن آن کس معقول بود. آن شعر نه با محکمی آهنگ پرطنطنه و ارکان استوار که به گنهش نمی‌رسیدیم بلکه با عیانیت آبریزهای روش و منظره‌های عالم را پیش نظر جلوه‌گر کردنش مقبولم بود. سخن‌های آن به نوای دوتار نهایت جور می‌افتدند:

سبحان من تحریر فی ذاته سواه	فهم و خرد به کنه کمالش نبرد راه
از ما قیاس ساحت قدسش بود، چنانک	موری کند به ساحت گردون ز قعر چاه <sup>۳</sup>

همان سال‌ها مادرم بعد تولد پنج فرزند، یکباره بچه‌مُر شد. چهار فرزند او پس هم تولد شده و مُردن گرفتند. پدرم چگونه غم می‌خورد یا صبر و تحمل می‌کرد، برایم معلوم نبود اما مادرم می‌سوخت و می‌سوخت. چون کسِ صاحب درد، برایش راحت و استراحت و فراغت حرام گردیده بود. همین‌که بی‌کار می‌ماند، گریه می‌کرد یا رو به کتاب می‌آورد. مرثیه می‌خواند. مرثیه‌های جامی مرهم درد و داغ او بودند. خصوصاً، وقتی که مادرم فرزند ششم یا هفتم ماه طویچی را بهاران به خاک سپرد، ابیات زیرین را می‌خواند، که در بهاران سبز و خرم ورزیکنده آهنگ مخصوصی داشته، گویا محض در مرگ او سروده شده بودند:

زیر گل تنگ دل ای غنچه رعناء چونی؟  
بی تو ما غرقه به خونیم، تو بی ما چونی؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
شَهَادَةُ إِيمَانِي  
۱۴۵۵ م. دوام

۱. افصح‌زاد، اعلاخان، مولانا عبدالرحمان جامی ادیب و متفکر نامی، ۲۰۱۵، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۳۴.



سلک جمعیت مابی تو گسسته است ز هم  
ما که جمیع چنینیم، تو تها چونی؟<sup>۱</sup>

از همه بسیار، این بیت را که از مرثیه جامی در مرگ برادرش بود، تکرار می‌کرد:

گل‌ها شگفت و گل‌رخ مازیر خاک خفت  
ما را در این بهار گلی بس عجب شکفت<sup>۲</sup>

و این همه نقل و حکایتش را غرض آن بود تا در مثال روزگار خویش بیان دارد که چگونه میراث معنوی خلق از جمله میراث دلپذیر مولانا عبدالرحمان جامی در محیط یک عایله عادی کوهستان تاجیک پیوسته تأثیرگذار بوده، در لحظه‌های شادی و غم و جریان معتدل زندگی تظاهر می‌نماید. به حکم تقدیر، آفریده‌های روح افزا و تسلى بخش مولوی جامی نه تنها در اوان بچگی و عسکری و معلمی بلکه در دوران طالب علمی اعلاخان نیز انیس و جلیس شبانه‌روزی اش بوده‌اند.

از قضا در امتحان فن ادبیات کلاسیکی فارسی تاجیکی که معلمش استاد شریف جان حسین‌زاده بود، در ورقه امتحانی ام پرسش «میراث ادبی جامی»، چون در برابر گفته‌های صحبت معلم، کتاب‌های علی‌اصغر حکمت (جامی، تهران، ۱۳۲۰خ.)، ی. ا. برتس، جامی (زمان زندگی و آثار جامی، استالین‌آباد ۱۳۳۵خ.) و تازه نشر انتخاب از اثرهای جامی را که در سال ۱۳۳۵خ. از طرف محمد جان رحیمی (۱۲۸۰-۱۳۴۷خ.) شاعر و دانشمند معروف تاجیک چاپ شده بود، خوانده بودم، از امتحان معلم حسین‌زاده بربین شخص نهایت سختگیر به آسانی گذشته، بهای «اعلی» گرفتم. بعد امتحانات باید به تعطیل می‌رفتم. در کوچه یکی از شخصان معتبر و شناس دیرین مان، شخص سال‌خورده را دچار آمدم و از احوالشان پرسان شدم. آن کس در وقت احوال‌پرسی، از کم قوت شدن‌شان شکوه به میان آورده، فرمودند که من بعد در نفقه هستند و دیگر نوبت خدمت جوانان است و چون عادت در نصیحت، شعر طولانی خواند که این بیتش مرا در خاطر نشست:

مرا هفتاد شد سال و تو را هفت  
تو را می‌آید اقبال و مرا رفت<sup>۳</sup>

این بیت از «یوسف و زلیخا»[۱] جامی بود و این دو واقعه مرا واداشتند که کتاب‌های

۱. همان، ص ۳۵.

۲. همان، ص ۳۵.

۳. همان، ص ۱۳.

جامی را مِن بعد همیشه در منزل نگه دارم. هفت اورنگ چاپ تاشکند را دوستم اورون کوهزاد برایم هدیه کرد. بهارستان را از دیخه از کتابخانه خویشاوند دورمان بانوی ملافیضی آوردم. کلیات نشر تاشکند را از شاعر آن وقت‌ها دانشجو سلیم‌شاه [بن] حلیم‌شاه گرفتم.<sup>۱</sup>

همین طریق بعد از ختم دانشگاه دولتی تاجیکستان و کارمند علمی پژوهشگاه مشهور خاورشناسی فرهنگستان جمهوری شدن، دست مراد جوان کوشای جویا به دامن مقصود در پیوسته، از آغاز فعالیت علمی و ایجادی در سمت و شاخه‌های گوناگون فیلولوژی برابر قلم آزموده باشد هم، دست‌اول به صفت متن‌شناس چیره‌دستی شناخته شده است. از جمله سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۲ خ. در تاجیکستان شوروی برای تجلیل جشن ۵۵۰ سالگی زادروز مولانا عبدالرحمان جامی آمادگی کاملی جریان داشته، دست‌اندرکاران تدارکات جشنی در نوبت اول، البته مدیر مؤسسه علمی متعددی آکادمیک عبدالغنی میرزاوی در ردیف عده‌ای از دانشمندان نامی و صاحب‌تجربه پژوهشگاه او را هم مؤظف تهیه متن آثار جامی برای منتخب عیدانه نمودند. عالم جوان همراه استادش بهرام سیروس (۱۲۶۰-۱۳۶۰ خ.) متن علمی - عاموی<sup>۲</sup> جلد یکم «غزلیات»، «آثار منتخب» پنج جلدی ادیب، «لیلی و مجنون» و با هم‌دستی ابوبکر ظهورالدین اف «خردname اسکندری» را برای نشر (در جلد پنجم) آماده ساخت، که همه در سال ۱۳۴۳ خ. انتشار یافتند.<sup>۳</sup>

در نهایت روزهای جشن و طنطنه ۵۵۰ سالگی عبدالرحمان جامی، که تشبیث کار آن میرزا تورسون‌زاده و محمد عاصمی بودند، فرا رسید. از تمام جمهوریت‌های شوروی، شهرهای مسکو و لینینگراد و مرکزهای فرهنگی کشورهای زیادی عالمان و دانشمندان، شاعران و نویسندهای هنرشناسان به دوشنبه آمدند. ۲۶ آبان / عقرب ۱۳۴۳ خ. کیناتیتر<sup>۴</sup> محتشم به نام جامی در اینجا (میدان لنین وقت شهر دوشنبه) با مجلس پرشکوه بزرگداشت مولوی صاحب نام به کار درآمد. انجمن را عبدالاحد قهار (رئیس شورای وزیران تاجیکستان) باز کردند. ادبیان معتبر ایران و افغانستان چون بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، خلیل‌الله خلیلی، عبدالحی حبیبی، سرور گویا و ... در برابر بزرگان ملت تاجیک و هم‌پیشگان شوروی خود، صدارت بزم‌های سخن را زیب می‌دادند.<sup>۵</sup>

۱. افصحزاد، اعلاخان، تمام عمر با جامی، ۱۹۸۹، صص ۷-۸.

۲. متن بدون تصحیح انتقادی.

۳. تالار سینما.

۴. افصحزاد، اعلاخان، مولانا عبدالرحمان جامی، ادیب و متفکر نامی، ۲۰۱۵، ص ۳۷.



اما وضع ناگوار آموزش، حالت دست‌نویس و چاپ‌های میراث ایجادی ادیب، اختلاف افکار دایر به مقام او در تاریخ ادبیات و فرهنگ و در نهایت نامعین بودن تعداد و محتوای میراث ادبی و علمی عبدالرحمان جامی تقاضا می‌کرد که به این کار جدی باید مشغول شد. گفتن بسنده است که به عبدالرحمان جامی بیش از ۱۰۰ اثر نسبت داده می‌شد، که از نصف زیاد آن‌ها مال او نبودند. بر عکس، چندی از اثرهای حقیقتاً هم مال او، فراموش گردیده، از دایرۀ استعمال علمی و استفاده عموم بیرون مانده بودند. از جمله دو دیوان پُرّه او: *واسطۀ العقد و خاتمة الحیات*، *شرح ابی رزین عقیلی* و امثال این‌ها فراموش شده، به جای «*شرح بیت امیر خسرو*» اصلی با چنین نام رساله دیگر جعلی تحت نام جامی در گردش بود. رساله و کتاب‌های زیادی مثل رساله *تجنیس خط*، بسیار شرح‌ها، کتاب‌های تاریخ و تفسیر و غیره که اصلاً به دیگران متعلق بودند، چون ایجاد جامی شناخته و معروفی می‌شدند. همه این اهل علم را وادر می‌کرد که دست‌اول میراث فکری جامی از روی معیارهای علم متن‌شناسی و نسخ‌شناسی معین کرده شود. از سال ۱۳۴۴ خ. تا امروز (سال ۱۳۶۸ خ.) کمینه به حلّ همین معماً مشغول هستم.<sup>۱</sup>

بلی، از همان زمان اعلاخان افصحزاد کمر همت و زحمتش را محکم بسته، به تدریج عده‌ای از آثار منظوم و منثور عبدالرحمان جامی از جمله متن علمی - عاموی و علمی - انتقادی بهارستان (دوشنبه، ۱۳۴۵، ۱۳۵۱ و ۱۳۶۶ خ.؛ مسکو، ۱۳۶۶ خ.), «*لیلی و مجنون*»، *فاتحۃ الشیاب*، *واسطۀ العقد، خاتمة الحیات* (مسکو، ۱۳۵۳-۱۳۶۰ خ.), برگزیده اشعار لیریکی، پاره‌هایی از خردنامۀ اسکندری و مختصر سلامان و ابسال (در تذکرۀ پنج جلدی «*گلشن ادب*»، جلد ۶، دوшنبه، ۱۳۵۵ خ.), متن‌ منتخب آثار (به زبان روسی، لینینگراد، ۱۳۵۷ خ.), نهایت جلد‌های ۱، ۲، ۵، ۶ و ۷ آثار (هشت جلدی جامی، دوشنبه، ۱۳۶۹-۱۳۶۵ خ.). ولیریکه، داستان‌ها، بهارستان (به زبان روسی، دوشنبه، ۱۳۶۸ خ.). را در زمینه نسخه‌های معتمد قلمی و سنگی با مقدمه‌های مفصل علمی، توضیحات گسترده متن‌شناسی و شرح عامه‌فهم واژه‌ها، برای نشر آماده و در دسترس همگان گذاشته، در این جاده گوی سبقت از هم‌پیشگانش ربيوده است.

متأسفانه تهیه و نشر متن علمی - انتقادی و تحقیق مفصل آکادمیک نفحات الانس مولانا عبدالرحمان جامی که همراه دانشمندان ایرانی و افغانستانی به فرجام رسانیدنش از آرزوهای دیرینه‌سال استاد بود، از بی‌رحمی چنگال اجل نتوانست جامه عمل درآورد. اما خوش‌بختانه، نیت نیک موصوف از جانب دانشمندان ایرانی و تاجیکستانی به منصه اجرا رسانیده و روح پاک‌شان

شاد گردانیده شد. اولًاً ادبیات‌شناس و متن‌شناس پخته‌کار ایرانی محمود عابدی سال ۱۳۷۱ خ. در موضوع تصحیح انتقادی نفحات الانس مولانا پایان‌نامه دکتری نوشته، متن سرچشمه را با مقدمه و تصحیح معتمد علمی در تهران به دست چاپ رساند که همان سال سزاوار عنوان بلند «کتاب سال» گردیده، در دوام سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۱ خ. پنج مرتبه چاپ شد.

سپس سال ۱۳۹۲ خ. در زمینه کاربرد قیاسی نسخه‌های دسترس خطی و چاپی، متن علمی - عاموی کراسه (در الفبای سریلیک، در حجم ۸۷۲ صفحه) در تهیه و با مقدمه و فهارس دانشمندان تاجیک معتبر عاقل‌اوا و بهرام میرسیداف، زیر نظر آکادمیک ن. یو. سلیاماف در شهر دوشنبه چاپ و در اختیار اهل علم و ادب گذاشته شد که از بهین عیدانه‌هایی به مناسبت جشن علامه می‌باشد.

میوه‌های شیرین درخت عظیم متن‌شناسی اعلاخان افصحزاد و هم‌محفل و هم‌مکتبانش را همگان سپاس‌گزارانه پسندیده، دانشمندان معروف وطنی و خارجی چون یان ریپکا، م. س. عاصمی، ا. ن. بالدیراف، ا. س. برگینسکی، ا. ا. گوهریه، یرزی بچکا، رسول هادی‌زاده، ر. اماناف، ش. شاه‌محمداف، ب. ولی‌خواجه‌آف، خ. شریف‌اف، عبدالنبی ستارزاده، ا. عبدالله‌اف، ر. مسلمان‌قولاف، ب. تیلواف، ن. سیفی‌اف، او. کریم‌اف، س. واحداف، ش. مختار، م. ملا احمداف، یو. اکبراف، ج. دادلیشايف، س. صدیق‌اف، ا. کوچراف، ج. نذری‌اف، ا. محمدی، ت. بایمتاوف، ر. فرهادی، ن. سعیدی، م. ه. نجفی، ل. صدیقی، ب. کوهدامنی و دیگران بهای سزاوار علمی داده‌اند.

برای مثال، بعد از دستگاه چاپ بیرون آمدن نخستین دست‌رنج جدی تصحیح اعلاخان افصح‌زاد متن علمی - انتقادی داستان «لیلی و مجرون» عبدالرحمن جامی (مسکو، ۱۳۵۳ خ.)، ادبیات‌شناس عثمان کریم‌اف دقیق‌ترین اسناد را به شایستگی و هدفمندی اصول پیش‌گرفته نقد و بررسی محقق جلب نموده، درست اظهار داشته‌است: «مراد از ترتیب‌دادن متن انتقادی، آمده‌ساختن متنی است که به نسخه اصلی مؤلف خیلی نزدیک باید باشد، در آن مصرع و بیت‌های غلط و تیره و شبیه‌آور باقی نماند و در زمینه همین متن معتمد و مستحکم تدقیقات ادامه یابد. به عقیده ما، ناشر متن انتقادی «لیلی و مجرون» اعلاخان افصح‌زاد به کار از دیدگاه و درک همین طبلات نزدیک شده، از بین نسخه‌های خطی زیادی شش نسخه قدیمی به درجه صحیح و کم‌آسیب و مکمل را انتخاب کرده توانسته است، که چنین کامیابی به متن‌شناسان کمتر

دست می‌دهد».¹

¹. کریم‌اف، عثمان، تحقیق مهم، روزنامه معارف و مدنیت، ۱۹۷۶/۷/۲۹، ص. ۴.



باید افروز که اعلاخان افصحزاد در طول فعالیت متمادی متن‌شناسی همین اصول معتمد تنقید و تحقیق متن ادبی را سرمشق عمل داشته، در اکثر موارد تحکیم و توسعه بخشیده است و بی‌مایه نیست که علی محمدی یکی از شاگردان مکتب متن‌شناسی موصوف به همین جهت به کار قابل تحسین استاد دقت و اعتبار لازم داده، بعد دوازده سال عثمان کریم‌اف همین اندیشه را در اثنای تقریظ چاپ دوم متن علمی - عاموی (دوشنبه، ۱۳۶۶ خ.) و علمی - انتقادی بهارستان (مسکو، ۱۳۶۶ خ.). چنین به تأکید رسانده است: «این شاهاثر ... برابر ایجاد گردیدنش مخلصان و هواداران بی‌شماری پیدا نموده، برای رفع نیاز مردم پیوسته قلمی می‌شد. از این رو، نسخه‌های قلمی این مخزن پند و حکمت ... امروز خیلی زیادند. تنها در مرکزهای شرق‌شناسی مملکت ما اتفاق ساویتی (=اتحاد جماهیر شوروی) زیاده از ۲۰۰ نسخه دست‌نویس بهارستان محفوظ است. محقق و متن‌شناس پخته‌کار اعلاخان افصحزاد مدت مدیدی با تعداد بیشتر این نسخه‌ها آشنایی پیدا نموده، از بین شان پنج نسخه بهترین و قدیم‌ترین به زمان مصنّف، نزدیک اثر را اساس کار خود قرار داده، اوّلین متن تا به امروز کامل علمی - انتقادی بهارستان را تهیه نموده است».<sup>۱</sup>

باید تذکر داد که متن علمی - انتقادی و علمی - عاموی بهارستان مولانا تهیه شده از جانب استاد افصحزاد سه مرتبه (تهران، ۱۳۷۹ خ.; دوشنبه، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱ خ.) منتشر گردید که گواه دیگر دراز عمری و حاجت‌براری حاصل زحمات شایسته اوت.

اگر اعلاخان افصحزاد در ایام مکتب‌خوانی و دانشجویی از عاشقان شیدای نوشه‌های پربهای جامی باشد، از آغاز فعالیت ادبیات‌شناسی اش که به ابتدای سال‌های شصتم راست می‌آید، به محقق سرسپردهٔ حیات و ایجادیات ابرمرد قلمرو سخنوری تبدیل شده، یک مردم و پیوسته کار تنظیم و تنقید متن آثار جامی را با تدقیق و تحقیق مسئله‌های روزگار و معماهای افکارش پیش برده است.

نخستین رسالهٔ تدقیقاتی اعلاخان افصحزاد، داستان «لیلی و مجرون» عبدالرحمان جامی است که سال ۱۳۴۹ خ. در دوشنبه چاپ شد. این اثر بر علاوهٔ تحقیق و بررسی موضوع و آشکال هنری داستان، سیر تاریخی جدیدی در تاریخ تحول و تطور این موضوع در ادبیات فارسی را مطرح کرد که در محیط ادبی تاجیکستان ارزش زیاد ادبی کسب کرد. بعدها در مورد شخصیت و ایجادیات جامی کتاب‌های عبدالرحمان جامی (دوشنبه، ۱۳۵۷)، روزگار و آثار عبدالرحمان جامی (دوشنبه، ۱۳۵۹ خ.), تحول افکار عبدالرحمان جامی (دوشنبه، ۱۳۶۰ خ.), اشعار غنایی عبدالرحمان جامی، مسائل متن و نظم‌شناسی (مسکو، ۱۳۶۷ خ. به زبان روسی) و جامی، ادیب

۱. میرزا ملا احمداف، «فاتح قله‌های بلند علم»، مجلهٔ مکتب ساویتی، شماره ۸، ۱۳۶۰، ص. ۷.

و متفکر (دوشنبه، ۱۳۶۸ خ.). را تألیف کرد که در آن‌ها کم چیزی از آثار این شاعر مانده است که مؤلف به آن دست نزد و نظر خود را ابراز نداشته باشد. بنابراین، اعلاخان افصحزاد در میان دانشمندان شرق‌شناس و ایران‌شناس به اسم محقق درجه‌اول روزگار و ایجادیات مولانا عبدالرحمان جامی معروف گشته است. با وجود این، فکر می‌کنم که توقف نظر اعلاخان افصحزاد به ایجادیات مولانا جامی تا جایی هدف ملی و به خصوص در زمان شوروی، حمایت سنت‌های فرهنگی تاجیکان را داشته است.

مولانا جامی در زمان رشد و تکامل ادبیات فارسی زیست و پس از او جدایی‌های حدود تاریخی و فرهنگی تاجیکان و ایرانیان اتفاق افتاد. او در آغاز روند نو‌سنوشت فرهنگی تاجیکان تأثیرگذار بود و در سیماش تثبیت نقش بزرگ سنت‌های فرهنگی و مدنی تاجیکان آسان است. بی‌سبب نیست که در فاصله بیست و پنج سال (۱۳۴۳-۱۳۶۸ خ.) در تاجیکستان دو بار جشن جامی برگزار شد (بار یکم سال ۱۳۴۳ خ. به مناسب ۵۵۰ سالگی زادروزش؛ بار دوم سال ۱۳۶۸ خ. به استقبال ۵۷۵ سالگی مولودش) و اعلاخان افصحزاد از پیشتازان تشکیل و برگزاری این جشن‌ها و بزرگداشت‌ها از جامی بود.

در این مورد می‌خواهیم باز یک نکته تأکید شده باشد این‌که: «عبدالرحمان جامی از پیشوایان طریقت نقشیندیه از علمای بزرگ اسلام بود. سیاست بی‌دینی جامعه شوروی در نسبت چنین نمایندگان فرهنگ و ادب گذشته نمی‌توانست نظر مثبت داشته باشد. بنابر سبب، ترغیب ایجادیات عبدالرحمان جامی معنای حمایت سنت‌های هومانیستی ادبیات گذشته فارسی تاجیکی را داشت که در زمینه تعلیمات و افکار مسلمانی انکشاف یافته بودند، این البته اقدام خلاف سیاست جاری نبود، ولی در این‌که حمایت از منافع ملی و سنت‌های فرهنگی می‌کرد، شباهی نیست. در این معنی، اعلاخان افصحزاد در کار اساسی تحقیق علمی خود حامی و منفعت‌خواه خلق خود بوده است».<sup>۱</sup>

بدون ظن و شک، اگر به نام‌گویی مذکوره رساله‌هایی در حل و فصل مسایل عمدۀ روزگار و آثار و افکار مولانا عبدالرحمان جامی تألفی اعلاخان افصحزاد سلسله مقاله و معرفه‌هایی به گشاد عقده‌های گوناگون حیات و ایجاد متفکر نابغه تخصیص داده، مقدمه و توضیحات مفصل علمی برای ترجمه‌های روسی آثار شاعر نامی نگاشته، تقریظ‌های متعدد به تدقیقات جامی‌شناسان وطنی و خارجی ایراد نموده او را بفزاپیم، پهنا و ژرفای جویش و پویش و پژوهش‌های جامی‌شناسی موصوف عیان‌تر و نمایان‌تر خواهد گردید. هم‌چنین مورد هم‌آوازی

۱. خدایی، شریف‌اف، «هدف‌های علمی و شخصیت ایجادی»، هفته‌نامه سامان، شماره ۱ و ۲، ۱۳۷۵، ص ۷.



و تذکر است که دو جشن پرشکوه عمومی خلقی سالگرد زادروز مولانا عبدالرحمان جامی، بی‌مبالغه چارچوب سیاست رسمی زمانه را شکسته، سبب و وسیله دلخواه گسترش روابط روانی و فرهنگی تمام سخنپروران و سخن‌شناسان اتحاد شوروی مخصوصاً کشورهای فارسی‌زبان جهان (تاجیکستان، ایران و افغانستان) گردیدند و حقیقت جانبدار آکادمیک محمد عاصمی یکی از هواداران و تشبیث‌کاران اساسی سازماندهی و برگزاری طنطنه‌های موصوف است که در عرفه آمادگی به جشنواره پنج‌صدوهفتادوپنجمین سالگرد زادروز صاحب‌جشن ارائه داشته است: «تجلیل پنج‌صدوهپنجمین سالگرد تولد عبدالرحمان جامی که سال ۱۳۴۳ خ. برپا گردید، به جامی‌شناسی در اتحاد شوروی و ممالک دیگر تکانی داد. در دوام چاریک عصر (سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۴۳ خ.) در این جاده تدقیقات زیادی به سامان رسید. رابطه بین جامی‌شناسان تاجیکستان، ازبکستان، آذربایجان، گرجستان، ارمنستان، مسکو، لینینگراد و افغانستان استوار گردید. از همه مهم‌تر آن که در شخص دانشمند پرکار و دقیق نظر تاجیک اعلاخان افصحزاد جامی‌شناسی به کمال رسید که در بین ادبیات‌شناسان شوروی و خارجی به طفیل آثار پرارزش خود اعتبار خاصی کسب کرده است. به شرافت جامی‌شناسی در جمهوری ما مکتب علمی متن‌شناسی تأسیس و تشکّل یافت که حال از تجربه آن دیگران نیز برخوردارند.

بی‌محابا، سابقه مکتب تؤام متن و ادبیات‌شناسی اعلاخان افصحزاد عبرت‌بخش و سبق‌آموز بوده، دیوارشان بر پایه‌ای مستحکم نهاده شده است. از بس که در زمینه محکم و پابرجای علمی و متداول‌لوژی آفریده شده‌اند، نخستین اثر و مقاله‌های او در جامی‌شناسی برابر دیگر محسنات ترکیبی و زبانی و اسلوبی‌شان از چند صفت خاصه و خاصیت ویژه برخوردارند که در تدقیقات پسین او نیز آشکارا به چشم می‌رسند: یکم بر تحقیق قبلی متن‌شناسی قرار داشتن؛ دوم با دید نوتر ادبی و زیباشناسی و فلسفی نگاشته شدن؛ سوم با سند و دلیل‌های معتمد و سنجیده مزین بودن. و این صفات‌ها را یکمین تدقیقات مفصل ادبیات‌شناسی محقق که داستان «لیلی و مجرون» عبدالرحمان جامی نام داشته (سال ۱۳۴۶ خ.). به حیث رساله نامزدی حمایه شده است، در خود تجسم نموده، در حال مورد توجه پیشنازان ساحه قرار گرفته است:

این نامه را نوشته است خاورشناس بزرگ چخوسلاوکی یان ریپکا قبل از وفاتش، در بیمارستان به واسطه زوجه‌ام روی کاغذ آوردم. او برایم فشرده رساله نامزدی عالم جوان تاجیک اعلاخان افصحزاد «داستان «لیلی و مجرون» جامی» را آورد. مطالعه و شناسایی با مندرجه آن مرا قانع گرداند. مؤلف در نظم شرق‌دانش وسیع دارد. رساله را به طرز نو و پسندیده نوشته است. آن سزاوار بهای بلند است.

رساله مذکور که سال ۱۳۴۹ خ. (در دوشنبه) به صفت نخستین اثر تحقیقی مستقل اعلاخان افصح زاد از چاپ بیرون آمد، بر علاوه تدقیق و بررسی مضمون و محتوا و سبک و وسیله‌های بیان داستان، در حقیقت سیر تاریخی نوینی را در تاریخ تحول و تطور روایت موصوف در ادبیات کلاسیک فارسی تاجیکی فراهم آورده است که در ادبیات‌شناسی کنونی تاجیک اقدام تازه‌ای بوده، بداهتاً مورد تقبیل و تفحص دانشمندان ساحه قرار گرفته است. از جمله ادبیات‌شناس جابلقا دادعلی‌شاه اف اولین اثر منتشره تدقیقاتی هم‌کسبیش داستان لیلی و مجnoon عبدالرحمان جامی (دوشنبه، ۱۳۴۹ خ.) را که نسخه تکمیل و تحریرخورده رساله مذکوره نامزدی اوست، حقیقت‌آنقدر شناسی کرده است زیرا «در اساس دلیل‌های روش، مشاهده‌های عمیق و تحقیقات پیشکی متن‌شناسی تألیف گردیده است».<sup>۱</sup>

دانشمند دیگر تاجیک احمد عبدالله‌اف راجع به رساله موصوف آورده است که «در معین‌کردن خصوصیات اسلوبی و صنعت‌های بدیعی داستان محقق جوان استاکاری نشان داده است. وی با تحلیل پارچه‌های داستان، گشادن ماهیت تشبیه و استعاره و مجاز، نشان دادن خصوصیت‌های خلقی داستان، ماهیت اساسی افکار جامی و مهارت سخنرانی او را معلوم ساخته است».<sup>۲</sup>

اثر روزگار و آثار عبدالرحمان جامی (۱۳۵۹ خ.) را هم اهل علم و ادب محلی و بروني صمیمانه پذیرفتند. از جمله خاورشناس تاجیک امیریزدان علی‌مردان‌اف نوشه است که رساله مذکور «نخستین کوشش در راه به طور مکمل و دقیق برقرار نمودن جریان زندگی و به طرز صحیح معین‌کردن مقدار اثرهای ادیب و تاریخ تألیف آن‌ها بوده از هر جهت قابل دقت می‌باشد». ادبیات‌شناس تاجیک سحاب‌الدین صدیق‌اف به تأکید آورده است که توسط این اثرش «به افصح زاد میسر شده است که برای امروز جامع‌ترین، صحیح‌ترین و مکمل‌ترین ترجمه‌حال علمی جامی را به وجود آورد»<sup>۳</sup> و این بهای شادروان سحاب‌الدین صدیق‌اف را بعداً دانشمندان وطنی و خارجی یرثی بچکا، نکهت سعیدی، لیلما صدیقی و خال نظر اورالزاده با دریافت و نتیجه‌برداری‌های خصوصی تقویت و توسعه بخشیده‌اند.

ادبیات‌شناس معروف رحیم مسلمان قولاف و فیلسوف حق‌نظر قربان ممدافع رساله تحول افکار عبدالرحمان جامی (۱۳۶۰ خ.) را که منطقاً بخش سوم (جمع‌بستی) روزگار و آثار عبدالرحمان جامی می‌باشد، دستاورد مهم علمی محقق و سهم بزرگی در جامی‌شناسی دانسته‌اند.

۱. جابلقا دادعلی‌شاه‌اف، «تدقيق قصه مشهور»، مجله‌صدای شرق، شماره ۱، ۱۹۷۱، ص ۱۴۹.

۲. احمد عبدالله‌اف، حکایات تقدیر، روزنامه معارف و مدنیت، ژانویه ۱۹۷۱، ص ۴.

۳. صدیق‌اف، سحاب‌الدین، «تحقیق مفید»، مجله‌صدای شرق، شماره ۱۲، ۱۳۵۸، ص ۱۴۱.

بدیهی است که دانشمند ممتاز اعلاخان افصحزاد کاسه‌گل تمام معركه و جلسه‌های عیدانه و سمپوزیوم‌ها و کنفرانس‌ها و همایش‌های علمی جامی‌شناسان بوده، ضمیمه مقاله و معروضه‌های گسترده در پیشگاه جشن ۵۷۵ سالگی مولود مبارک شاعر در رسالت فراگیرنده جامی شاعر غزل سرا (دوشنبه، ۱۳۶۸ خ.) و جامی، ادیب و متفسّر (دوشنبه، ۱۳۶۸ خ.) را تحفه جامی‌دوستان گردانید که ادبیات‌شناس تحفه بانو بایمتاوا برحق آن‌ها را عیدانه ارزنده و «سهم بی‌بهایی در جامی‌شناسی وطنی و خارجی» خوانده است.

از این سلسله رسالت جامی‌ادیب و متفسّر را یک نوع اثر جمع‌بستی و ثمرة‌زحمات و پژوهش‌های دامنه‌دار اعلاخان افصحزاد در عرصه جامی‌شناسی بدانیم، اشتباهی نخواهد رفت زیرا نقل و جوهر کتاب و مقاله‌های متعدد در طول سی سال (از ابتدای سال‌های شصتم تا انتهای سال‌های هشتادم) آفریده او را در باب روزگار و آثار و افکار جامی فراهم آورده، برای تدقیقات سودمند جامی‌شناسان قرن نوبتی و آموزش میراث غنامند جامی زمینه محکم و معتمدی گردیده است.

شایسته تذکر است که جامی‌شناس برجسته اعلاخان افصحزاد اسفند سال ۱۳۵۹، در شورای وسیع علمی انسنتیوت خاورشناسی اکادمی علم‌های اتحاد شوروی در موضوع «پرابلم‌های متن و شعریت آثار لیریکی عبدالرحمان جامی» سر بلندانه رسالت دکتری دفاع نمود که سزاوار بهای بلند مستشرقین ورزیده شوروی گردیده، مضمون و محتوای آن سال ۱۳۶۶ خ. در مسکو (به زبان روسی)، در قالب رسالت همنام به چاپ رسید و عملاً تکاپوی و جست‌وجوی چندین ساله او را در این بادیه مشکل‌گذر فرجام بخشید.

اصلاً چنان‌که در دوران شوروی از هر کار علمی به‌ویژه رسالت دکتری جداً تقاضا می‌شد، رسالت نامبرده هم قبل از حمایه در شوراهای عالمان پژوهشگاه‌های خاورشناسی اتحاد جماهیر شوروی و ساختارهای دیگر مؤسسه‌های علاقه‌مند علمی و تعلیمی از جمله شعبه سرچشمه‌های خطی مردم خاورزمین انسنتیوت خاورشناسی اکادمی علوم اتحاد شوروی، گروه ادبیات خلق‌های شرق خارجی دانشگاه دولتی تاشکند به نام لنین، خاورشناسان علی‌حده و نهایت در جلسه وسیع شورای مخصوص گردانیده علوم فیلولوژی از غربال چشم همه‌بین زبردستان ساحه گذرانده شده است. کافی است یادآور بشویم که در جلسه‌های علمی محاکمه پیشکی و جمع‌بستی رسالت دانشمندانی چون ا. بیچکه، م. س. عاصمی، ا. ا. گوخریه، ا. جعفر، م. ن. آسمانف، گ. ف. گیرس، ا. د. سیریبریکاو، غ. علی‌اف، د. س. کمیسراؤ، ف. خوشگینابی، ن. ا. پریگرینه، ر. کزرین، جهاگیر دُری، س. ب. پیوزنیر، محمدحسین بهروز، ن. چلیساوا، رسول هادی‌زاده، ش. شاه‌محمدداف، عبدالنبي ستارزاده، ب. ولی خواجه‌اف و دیگران مفصل‌اً اظهار نظر کرده، در سطح

والای علمی به سامان رسانیده شدنش را به تأکید آورده‌اند. از جمله تقریظنویس رسمی رساله؛ خاورشناس معروف لینینگرادی ا. ن. بالدریف آن را «تدقیقات بنیادی»<sup>۱</sup> و خاورشناس مشهور مسکو ا. س. برگینسکی سهم ارزنده در خاورشناسی مخصوصاً ایران‌شناسی و جامی‌شناسی جهانی دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

نهایت سال ۱۳۷۷ خ. در جمهوری اسلامی ایران (تهران)، مرکز مطالعات ایرانی با همکاری انسنتیوت شرق‌شناسی و میراث خطی اکادمی علم‌های جمهوری تاجیکستان زیر نظر «مرکز پژوهشی میراث مکتوب»، این همه دستاوردهای علمی را در شش مجلد انتشار نمود که یک نوع انجام و جمع‌بست زحمات طولانی جامی‌شناسی اعلاخان افصح‌زاد و هم‌دستانش محسوب گردیده، دانشمند شادروان در دوام چند سال اخیر بر حیات‌شان از پی تنظیم و تحریر و تصحیح و برگردان و توضیح و نشر آن‌ها در هفت یا هشت جلد مکمل بودند.

۱. جلد اول (کتاب یکم) سلسله (۹۴۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه) از متن علمی - انتقادی دیوان یکم «دیوان‌های سه‌گانه» نورالدین عبدالرحمان ابن احمد جامی فاتحة الشباب ترکیب یافته، با مقدمه مفصل اعلاخان افصح‌زاد «دیوان‌های سه‌گانه» عبدالرحمان جامی» (صص ۷ - ۲۶) و تصحیح متن‌شناسی ایشان آرایش یافته است.

۲. جلد دوم (کتاب دوم) سلسله (۷۳۴ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه) متن علمی - انتقادی دو دیوان بعدی «دیوان‌های سه‌گانه» نورالدین عبدالرحمان ابن احمد جامی واسطه العقد و خاتمة الحیات را فراهم آورده، با مقدمه مدلل اعلاخان افصح‌زاد «بحثی راجع به میراث ادبی و علمی جامی» (صص ۷ - ۲۷) و تصحیح تیکست‌لاگی‌شان مزین گردیده است.

۳. جلد اول (کتاب سوم) سلسله (۹۱۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه) متن علمی - انتقادی مثنوی‌های «سلسلة الذهب»، «سلامان و ابسال»، «تحفة الاحرار» و «سبحة البار» هفت اورنگ نورالدین عبدالرحمان جامی را در بر گرفته، با مقدمه علمی اعلاخان افصح‌زاد (صص ۳۳ - ۵۱)، در تحقیق و تصحیح جابلقا دادعلی شاهاف، اصغر جان‌فدا، ظاهر احراری و حسین احمد تربیت انتشار یافته است.

۴. جلد دوم (کتاب چهارم) سلسله (۷۱۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه) متن علمی - انتقادی «یوسف و زلیخا»، «لیلی و مجنون» و «خردنامه اسکندری»، هفت اورنگ را در تحقیق

۱. بالدریف، ا. ن، «خبر اکادمی علوم جمهوری شوروی تاجیکستان، بخش خاورشناسی، فیلولوژی و تاریخ»، مجله تحقیقات بنیادی، شماره ۳، ۱۳۶۷، سطر ۷۰.

۲. برنتس، ی. ا.، جامی، زمان، روزگار و آثار، ۱۹۴۹، صص ۱۴۰ - ۴۱.



و تصحیح اعلاخان افصحزاد و حسین‌احمد تربیت به هم آورده است.

۵. کتاب آخر (به نوعی جمع‌بستی) سلسله (۷۷۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه) نقد و بررسی آثار و شرح احوال جامی نامیده شده به قلم اعلاخان افصحزاد تعلق دارد و سه رساله ذکریافته ایشان: جامی‌ادیب و متفکر، جامی‌شاعر غزل‌سرا و تحلیل داستان لیلی و مجنون را (با کمی تغییر نام رساله سومی) متّحد نموده است.

در شناسنامه ناشران عاید به مضمون و محتوای رساله بنیادی مذکور چنین آمده است که می‌تواند بهترین و معجزترین خلاصه‌برداری و تفسیر و توضیح دست‌رُنگ بی‌مانند نگارنده آن باشد: «مؤلف - اعلاخان افصحزاد - در این کتاب اوضاع سیاسی، اجتماعی و مذهبی زمان جامی و عهد تیموری را بررسی و تحلیل می‌کند، از تمدن و پیشرفت علمی و فرهنگی و گرمی بازار دانش و هنر و ادبیات در جامعه بحث کرده و آثار و کتاب‌های تألیف یافته در آن عهد را بر می‌شمارد.

در تذکره از شرح حال جامی به تفصیل از ولادت تا وفات، کیفیت تحصیل و دانش‌اندوزی، ذکر اساتید و مشایخ، مقام علمی و ادبی و هنری، هنر سرایندگی و فن نویسنندگی، مسلک مذهبی و مشرب عرفانی، سفرهای علمی و مذهبی، مکاتبه و ارتباط با حوزه‌های علمی دیگر، شمارش و بررسی آثار منظوم و منثور و مقایسه آن‌ها با نمونه‌های مشابه - پیش و هم‌زمان و پس از عهد شاعر - برقراری ارتباط با مراکز قدرت و ارباب مناسبات بهویژه مناسبات ادبی و عاطفی اش با امیرعلی‌شیر نوایی و ... سخن می‌گوید.

در بررسی مثنوی «لیلی و مجنون»، داستان این دو دلداده مشهور از نظر محتوای عناصر سازنده داستان، پرداخت‌های تازه جامی، روش ویژه او در بازآفرینی این داستان عشقی و صنایع بدیع به کاررفته در این منظومه به طور مفصل تحلیل می‌شود. آخرین مبحث کتاب مقایسه میان «لیلی و مجنون» جامی و دیگر «لیلی و مجنون»‌ها می‌باشد.

دانشمند حبیب السیرت نیکو طبیعت اعلاخان افصحزاد در آغاز، این رساله مجسم و منظمش را که دوستان ایرانی برق «تذکره» نامیده‌اند، اخلاق‌مندانه و صمیمانه و «با کمال محبت فرزندی»، خیلی فروتنانه و جامی‌وارانه به قبله‌گاهش تقدیم می‌دارد: «به پدر بزرگوارم مخدوم محمدفسه ولد ایشان قاضی ملا باباجان که در تمام عمر خود بر ایشان خدمتی نکرده‌ام ولی همیشه حاضر بوده‌ام که در پیش پای شان سر به زانو بزنم» که در نهایت سبق‌آموزنندگی و عبرت‌انگیزندگی سامان یافته‌است.



بعداً در انتهای کراسه، سرمرد نمکشناس و مُنتگذار از همت و زحمت کریمانه و برادرانه برادران خوشسگال ایرانی در تهیّه و چاپ کتاب و مرحمت و موهبت خاصه ایشان نسبت به خودش اظهار تحسین و شکران طبیعی نموده، مطلبش را تحت سرلوحچه «تشکر نامه» مختصرآ چنین اظهار می دارد که در شناخت شخصیت مؤلف و خدمتگذاران نشر اثرگذار است و تاریخچه طبع آن از اهمیت خالی نیست: «سه رساله، که در این جلد گردآورده شده‌اند در سال‌های گوناگون به خط سریلیک تألیف شده، آن‌ها را عبدالله رهمنا با خرج جناب آقای مهراب اکبریان به حروف فارسی برگردانیده است و مرد فرهنگی جناب آقای حمیدی با کمال دقّت ویراستاری کرده است. زمانی که آن را حروف چینی می‌کردند، پیش از یک ماه من در منزل آقای گل‌میرزا میرزا زاده و خانم ایشان گل‌فروز اکبری اقامت کرده، چون جزو خاندان آن‌ها زیست کردم و از غم‌خواری‌های ایشان بهره بردم. بنابر همین، از همه این دوستان صمیمانه سپاس‌گزار هستم. بدون شک تنها همین آثار بی‌امثال جامی‌شناسی اعلاخان افصح‌زاد را که تا حال شرف بزرگ در خارج کشور با چنین حشمت و حجم (۶ جلد و تقریباً ۵۰۰ صفحه) و عزّت و شرافت انتشار یافتن نظریشان نصیب هیچ مؤلف دیگر تاجیک نگردیده است، محترم و اعتقادمندانه روی دست و پیش دیده‌ها گذاریم و با نگاه دل ارزیابی‌شان کنیم، می‌شود دست کم این زحمت جسارت‌پسند طاقت‌فرسا را یکی از کارنامه‌های بزرگ فرهنگی در تاریخ دیرینه‌سال مردم فارسی‌زبان و فارسی‌زبان حساب کرد.

هم‌چنین سال ۱۳۷۹ خ. دستاورد بی‌نظیر و بی‌بدل جامی‌شناسانی اعلاخان افصح‌زاد از جانب خوانندگان سیرشمار و نازک‌طبعی و فرهنگ‌سالاران عیارآزمای و معیارشناس ایرانی سزاوار جایزه بین‌المللی «کتاب سال» و نشان یادگاری طلایی «بهار آزادی» گردانیده شد که دلیل و مدرک دیگر بزرگی و ناتکراری هنر و استعداد ذاتی موصوف می‌توان ارزیابی نمود.

بی‌محابا، «اثرهای تدقیقاتی جامی‌شناسی اعلاخان افصح‌زاد، پیش از همه از آن جهت قابل توجه و اعتنا هستند که در هر یکی از آن‌ها بازیافت و سخن تازه علمی به نظر می‌رسند و در یک جایی سیمای علامه برجسته عبدالرحمان جامی و بزرگی او را هم‌چون انسان، ادیب و متفکر بشردوست جلوه‌گر می‌نمایند<sup>۱</sup> و به قول پروفیسور شاه‌اسلام شاه‌محمد‌داف برندۀ جایزه بین‌الخلقی به نام ابوالقاسم فردوسی «اثرهای اعلاخان افصح‌زاد جامی‌شناسی راغنی گردانیدند و به درجه معینی پیش بردنده که از آن‌ها محققان ادبیات فارسی تاجیکی و دیگر خلق‌های هم‌جوار سده پانزدهم صرف نظر کرده نمی‌توانند.

با این همه می‌توان اظهار سپاس و افتخار نمود که «اعلاخان افصح‌زاد در مددت بیست و پنج

۱. میرزا ملا احمد‌داف، «فاتح قله‌های بلند علم»، مجله مکتب ساوتی، شماره ۸، ۱۹۸۱، ص ۶۳.



سال در جاده تدوین و تحقیق آثار وسیع یکی از ستارگان درخشنان ادبیات دری، شاعر و متفکر برجسته سده پانزدهم یعنی عبدالرحمان جامی کار کرده و از طرف شرق‌شناسان شوروی و خارجی یکی از بهترین جامی‌شناسان جهان شناخته شده است.<sup>۱</sup>

## منابع

- الآف، وفا و افصحزاد، عباس، (۲۰۰۵)، آثارنامه اعلاخان افصحزاد، دوشهنه: دیوشتیچ.
- افصحزاد، اعلاخان، (۱۹۸۹)، تمام عمر با جامی، جامی ادیب و متفکر، دوشهنه: ادیب.
- ———، (۲۰۱۵)، مولانا عبدالرحمان جامی ادیب و متفکر نامی، دوشهنه: ادیب.
- بالدریف ا.ن. (۱۹۸۹)، «اخبار اکادمی علوم جمهوری شوروی تاجیکستان، بخش خاورشناسی، فیلولوژی و تاریخ»، تحقیقات بنیادی (فصل نامه اکادمی علوم جمهوری شوروی تاجیکستان)، شماره ۳.
- برتس، ی. ا.، (۱۹۴۹)، جامی، زمان، روزگار و آثار، استالین گراد.
- یوزف برگینسکی، (۱۹۸۹)، «سهم ارزنده»، مجله صدای شرق، شماره ۱۰.
- خدایی، شریفاف، (۱۹۹۶)، هدف‌های علمی و شخصیت ایجادی، هفتنه‌نامه سامان، شماره ۱ و ۲.
- صدیق‌آف، سحاب الدین، (۱۹۸۰)، «تحقيق مفید»، مجله صدای شرق، شماره ۱۲.
- صدیقی، لیلما، (حمل و سنبله ۱۳۶۵ خ)، «با هرات‌شناسان مشهور جهان آشنا شوید: اعلاخان افصحزاد»، فصل نامه هرات باستان، شماره ۱ و ۲ (مسلسل ۲۵)، صص ۴۴ - ۵۰.
- عاصمی، محمد، (۱۹۸۹)، «جامی و خودشناسی تاجیکان»، مجله صدای شرق، شماره ۱۱.
- کریماو، عثمان، (۱۹۷۶)، «تحقيق مهم»، روزنامه معارف و مدنیت.
- محمدی، علی، (۱۹۸۸)، «شاه اثر پنج صد ساله»، هفتنه‌نامه «ادبیات و صنعت».
- میرزا ملا احمد او، (۱۹۸۱)، «فاتح قله‌های بلند علم»، مجله مکتب ساوتی، شماره ۸.
- میرزا یاف، عبدالغنی، (۱۹۵۷)، بنایی، استالین‌آباد: نشریات دولتی تاجیکستان.

۱. صدیقی، لیلما، «با هرات‌شناسان مشهور جهان آشنا شوید: اعلاخان افصحزاد»، فصل نامه هرات باستان، شماره ۱ و ۲ (مسلسل ۲۵)، حمل - سنبله ۱۳۶۵، ص ۴۶.

